



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام
سال پنجم / شماره هفدهم / پاییز ۱۴۰۲

تحلیلی بر فرصت‌ها و تهدیدهای تکنولوژی‌های ارتباطی نوین

در تمدن نوین اسلامی

سالار مرادی^۱ / بهزاد حکیمی‌نیا^۲

(۹۷-۷۵)

چکیده

تمدن اسلامی با خوانشی غایت‌مدار و متعالی، تفسیر حداکثری از دین دارد. تمدن اسلامی نظامی از ارزش‌هاست که نمی‌تواند هرگونه چارچوب از پیش تعیین‌شده دنیای بیرونی را بپذیرد. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که تمدن اسلامی با چالش‌های بسیار بیشتری با مسائل دنیوی از جمله تکنولوژی‌های ارتباطی روبه‌رو شود. با عنایت به اینکه تکنولوژی‌های ارتباطی همانند شمشیر دولبه هم فرصت‌آور و هم تهدیدکننده هستند، تمدن‌سازان اسلامی و مسلمان معاصر از طرفی درصدد واکاوی فرصت‌هایی هستند که اینگونه تکنولوژی‌ها برای تمدن اسلامی فراهم نموده‌اند و از دیگر سوی قدم در تبیین و کاهش تهدیدها و چالش‌های فراروی میان این دو حوزه گذاشته‌اند. بر همین اساس سوال اصلی پژوهش که محققان به دنبال پاسخ به آن هستند، این است که تکنولوژی‌های ارتباطی نوین برای تمدن نوین اسلامی چه فرصت‌ها و تهدیداتی دارند و چالش‌های اساسی آن کدامند؟ در این پژوهش از روش کیفی اسنادی استفاده شده و داده‌های مورد استفاده شامل بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، روایات و احادیث و همچنین تفسیرهای مرتبط با این آیات و روایات است. تحلیل داده‌ها بر اساس تحلیل محتوای این مفاهیم انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با اشاره به آیات و روایات و رخدادهای صدر اسلام رویکرد تمدن اسلامی را می‌توان اینگونه ارزیابی کرد که تکنولوژی‌های ارتباطی را تا جایی بپذیرد که ماهیت آموزه‌های تمدن اسلامی را مخدوش نکند، البته درصدد آن نیز نیست که این تکنولوژی‌ها را در عرصه جامعه براندازد. همچنین، منشا تفاوت میان نظریات تمدن‌سازان مسلمان در کاربری تکنولوژی‌های ارتباطی، تفاوت در روش موضوع‌شناسی است، نه تفاوت در ماهیت و اصول دین. با عنایت به اینکه دین اسلام، دینی پویا است، متفکران و فقهای مسلمان معاصر، باید در جهت کاربری تکنولوژی‌های ارتباطی در راستای اهداف متعالی تمدن اسلامی گام بردارند، یعنی همکاری میان حوزه و دانشگاه ضرورت یابد.

واژه‌های کلیدی: تمدن اسلامی، تمدن‌سازی، تمدن نوین، تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، دین، رسانه.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) salarmoradi@pnu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه ریزی اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیرین و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. behzad.hakiminya@hafez.shirazu.ac.ir

مقدمه

تحولات عظیم در تکنولوژی‌های ارتباطی نقطه عطفی را در تاریخ تحولات بشر بوجود آورده است، به طوری که عده‌ای، دهه‌های اخیر را عصر ارتباطات نامیده‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۷). به لحاظ تاریخی، تکنولوژی‌های ارتباطی هم به عنوان عامل نجات‌دهنده و در عین حال تهدیدکننده ارزیابی شده‌اند، عوامل دگرگونی محسوب می‌شوند و بندرت می‌توان از اثرات آنها در امان ماند. با این وجود گاهی کنترل تکنولوژی و نرم‌افزاری می‌تواند سودمند و در جهت منافع جامعه باشد (هنسون، ۱۳۷۳: ۲۳۷). مسلماً تکنولوژی‌های ارتباطی دستاوردهای فراوانی را در عرصه‌های مختلف به بار آورده است. در حوزه دین باعث توسعه تبلیغات دینی (Yang, 2019: 1) و حتی در حوزه گردشگری دینی نیز کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات چگونگی مدیریت مؤثرتر مکان‌های مذهبی، رویدادها و زیارت‌ها را موجب می‌شود (Jegade et Al, 2021: 10). اما موردی که باید بیشتر مدنظر باشد، این است که این‌گونه تحولات در تکنولوژی‌های ارتباطی، پیامدهای وخیمی نیز برای جوامع داشته و چالش‌ها و نگرانی‌هایی را به همراه آورده است. تحلیل محتوایی از برنامه‌های منتشر شده از سوی شبکه‌های ماهواره‌ای حاکی از آن است که در این برنامه‌ها بیش از هر چیز اخلاق و معنویت مورد تهاجم قرار گرفته و متقابلاً فرهنگ مادی اشاعه یافته است (معیدفر، ۱۳۷۹: ۲۳۹). تحقیقاتی که به وسیله دانشگاه استنفورد در سال ۲۰۰۰ و با روش کیفی بر روی کاربران اینترنت انجام شد، خطرات سنگین اینترنت را انزوای آنان دانست. یافته‌های پیمایش نشان‌گر این بود که کاربران از یک جهانی که همه همسایگان خود را می‌شناسیم، دوستان خود را می‌بینیم و با آنها کنش متقابل روزمره داریم به سمت جهانی کارکردی که تعاملات درون آن با فاصله همراه شده است، حرکت می‌کنیم (Watson, 2003: 24).

علاوه بر این فرصت‌های بیشتری برای استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در همه جنبه‌های زندگی اجتماعی ایجاد شده و حتی برخی محققان بیان می‌کنند که تکنولوژی‌های ارتباطی به طور نگران-کننده‌ای باعث وابستگی می‌شوند (Ratheeswari, 2018: 46). از سوی دیگر، دین برای گسترش خود، بیشتر از هر زمان دیگری به بررسی ویژگی‌های تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ای نیازمند است (Christian, 2002: 40). در نتیجه دین بیشتر از هر نماد دیگر با این‌گونه تکنولوژی‌ها تلاقی پیدا می‌کند. با وجود چالش‌های بوجود آمده توسط تکنولوژی‌های ارتباطی، عرصه‌هایی دینی نیز دچار چالش شده‌اند. در طی چند سال گذشته تغییرات فراوانی در عرصه‌های مذهبی بوجود آمده است. برای مثال پیوستگی‌های مذهبی آمریکایی‌ها از هم گسسته شده و ارزش‌ها و اعتقادات متنوع و جدیدی پدیدار شده-

اند و نهادهای مذهبی بیشتر در واکنش به نیازها و سبک زندگی مردم شکل می‌گیرند (Lindlof, 2002: 61). در حال حاضر ادیان با دو چالش فراروی مواجه‌اند. از طرفی باید بتواند در دنیای مدرن خود را گسترش داده و از طرفی دیگر پاسخگوی چالش‌های بوجود آمده توسط تکنولوژی‌های ارتباطی در این مسیر باشند. بنیادگرایان دینی برای حل این دو مسأله آن دو را با هم مختلط کردند؛ یعنی با کاربست تکنولوژی‌های ارتباطی-اطلاعاتی و رسانه‌ها، در عرصه‌های دینی هم از تهدیدهای این‌گونه تکنولوژی‌ها رها شده و هم چالش‌های درونی چشم‌اندازهای دینی خود را حل نمودند. عموماً این‌گونه تصور می‌شود که بنیادگرایان دینی با تکنولوژی ارتباطی در تعارض باشند، اما واقعیت این است که آنها نمی‌توانند به آسانی از این فرصت طلایی ایجاد شده بوسیله تکنولوژی ارتباطی بگذرند. از طرف دیگر، تعلیم اسلامی، همواره دو هدف اساسی را پیگیری می‌کند، هدف اول، انسان‌سازی و هدف دوم، تمدن‌سازی است که آن هم، فضای رشد و تعالی انسان کامل را تأمین می‌کند (زمانی‌محبوب و حسینی، ۱۳۹۸: ۳۳).

گسترش جغرافیایی اسلام و پیشرفت علمی و توسعه تمدنی مسلمانان، از شگفتی‌ها و افتخارات تاریخ است و سال‌ها تمدن اسلامی با درخششی بایسته، پرچمدار نبوغ علمی، فکری و فرهنگی در جهان بود (ثواب، ۱۴۰۰: ۳۴). بنابراین رویکرد تمدن‌گرایی اسلامی، ریشه در نظر اندیشمندان و عالمان بزرگ اسلامی در سده گذشته دارد و در چند دهه اخیر به ویژه پس از انقلاب اسلامی در قالب یک گفتمان مستقل در کشورهای اسلامی مطرح شده است (شعبانی‌سارویی و میررسولی، ۱۴۰۱: ۱). در رویکرد انسان‌سازی آموزه‌های دینی مستقیماً به آن اشاره دارند و در رویکرد تمدن‌سازی؛ تمدن و تمدن‌سازی از قدیم دارای تاریخی با فراز و نشیب‌های فراوان بوده و تکنولوژی آن را دست‌خوش تغییرات شکلی و هویتی کرده است. از این رو تمدن اسلامی از برجستگی‌های مادی و معنوی ویژه‌ای برخوردار است (نجات‌بخش‌اصفهانی و قریشیان، ۱۴۰۰: ۹۸). بر اساس تعاریف تمدن را می‌توان عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند (عابدینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۹).

به طور کلی این تمدن با قرآنی‌غایت‌مدار و متعالی، تفسیری حداکثری از دین دارد که همه ساحت‌های زندگی بشر را دربرگرفته است (سعیدآبادی، ۱۳۸۶: ۲۶۵). تمدن اسلامی نظامی از ارزش‌هاست که نمی‌تواند هرگونه چارچوب از پیش تعیین‌شده‌ای از دنیای مدرن و مدرنیته را بپذیرد. بنابراین به نظر می‌رسد که تمدن اسلامی چالش‌های بسیار بیشتری با مسائل دنیوی از جمله تکنولوژی‌های ارتباطی

روبه‌رو شود. در این راستا تمدن اسلامی با سابقه تمدنی بسیار طولانی پیشگام همه تمدن‌های جدید و قدیم بوده است. اما امروز سرعت تحولات در جوامع به شکلی بوده است که باید فرایندهای معرفی تمدنی در عصر حاضر به نوع دیگری بازآفرینی شوند و با ورود تکنولوژی‌های ارتباطی نوین روند معرفی و حتی حفظ تمدن نوین اسلامی یک مساله مهم خواهد بود. چرا که روایت و بازخوانی هویت ملی و بازنمایی آن در اذهان عمومی جامعه و به طور خاص در فضای مجازی مهم و قابل توجه است. تاریخ رسانه‌ها نشان می‌دهد که رسانه و فضای مجازی این قابلیت را دارند که در هر گونه حرکت و تحول اجتماعی، پیشبرنده باشند (فرج‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳). همچنین تمدن اسلامی با چشم‌اندازسازی برای آینده جهان اسلام بسیار مهم است و این موضوع در برابر جریان سکولار که آینده را در حذف و کم‌رنگ کردن تمدن اسلامی بسیار با اهمیت جلوه می‌کند (روحی، ۱۳۹۲: ۶). اهمیت دیگر مطالعات تمدنی می‌تواند در مورد آینده جامعه اسلامی مورد توجه قرار گیرد. برای داشتن گام‌های استوار در آینده باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌هایش درس گرفت (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۵). به طور کلی، بررسی و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای تکنولوژی‌های ارتباطی نوین در تمدن نوین اسلامی می‌تواند منجر به شناسایی تهدیداتی شود، که تمدن اسلامی را به چالش خواهد کشید و از طرفی هم نتایج این بررسی می‌تواند افتخارات تمدنی و عمق تمدنی در تاریخ اسلام را برای نسل‌های فعلی و آینده معرفی و شناسایی کند. کاربست تکنولوژی‌های ارتباطی از یک طرف فرصت‌هایی را برای ادیان بوجود می‌آورد و از دیگر سوی، تهدیدهای تمدنی، هویتی، دینی و فرهنگی را بر آنها تحمیل می‌کند. در این مقاله سعی شده است پس از بررسی رویکردهای تئوریک میان دین (به معنای تمدن اسلامی) و تکنولوژی ارتباطی، به نحوه تعامل میان آنها در جهان واقعیت پرداخته شود. هدف اساسی این پژوهش، واکاوی موضع‌گیری خاص تمدن اسلامی به عنوان تمدنی با داعیه جهانی نسبت به تهدیدها و فرصت‌های تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ای است.

در ارتباط با موضوع این پژوهش، کارهای مشابهی انجام شده است. برای مثال شعبانی‌سارویی و میررسولی (۱۴۰۱) در پژوهشی راه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و نقش پلیس در این زمینه بررسی و تحلیل کرده‌اند. در این پژوهش شکل‌گیری تمدن اسلامی به نظارت و توجه نیاز دارد. عابدینی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش تحلیل تمدنی جریان اربعین، فرصت‌ها و چالش‌های این رویداد را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند فرصت‌های تمدنی این جریان بیشتر از تهدیدات آن است. نجات‌بخش‌اصفهانی و قریشیان (۱۴۰۰) در پژوهشی اثرگذاری

تمدن اسلامی بر استفاده از تکنولوژی و فناوری در عصر اطلاعات بررسی کرده و اثرات تمدن اسلامی بر فناوری با الهام‌گیری از شجره طیبه اثرات فوق را تبیین و راهبردهای آسیب‌شناسانه را از این موضوع ارائه می‌نمایند. ثواقب (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی عوامل انحطاط تمدن اسلامی از منظر پژوهشگران معاصر در گذشته بررسی کرده است و شهیدی‌پاک (۱۴۰۰) مفهوم علم در تمدن اسلامی در قرون وسطی بررسی و تحلیل کرده است. در نهایت زمانی‌محبوب و حسینی (۱۳۹۸). بایسته‌های فرهنگی تمدن‌سازی نوین اسلامی-ایرانی با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره) بررسی و تحلیل کرده است. پژوهش حاضر ضمن داشتن نگاه هنجاری به تمدن اسلامی و اذعان به ضرورت آن در جامعه، خطرات مواجهه با صاحبان تکنولوژی‌های نوین را گوشزد می‌نماید. به طور کلی این پژوهش در صدد پاسخگویی به سوالات زیر است.

- آیا ماهیت تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ای با ماهیت و غایت دین و دین‌پذیری متضاد است؟
- آیا تکنولوژی‌های ارتباطی، صرفاً ماهیت ابرازگرایانه دارند و به عنوان ابزاری هستند که در اختیار مفاهیم و مضامین دینی و تمدن اسلامی قرار می‌گیرند؟
- آیا ماهیت تمدن اسلامی با تکنولوژی ارتباطی در تناقض است؟
- آیا نگرش اسلامی و فرهنگ اسلامی موجب حذف تکنولوژی‌های ارتباطی در عرصه‌ها و حوزه‌های تمدن اسلامی می‌شود؟
- چرا کشورهای اسلامی در کاربست تکنولوژی‌های ارتباطی ضعیف هستند؟
- منشا تفاوت میان نظریات تمدن‌سازان اسلامی در کاربست تکنولوژی‌های ارتباطی چیست؟
- با کدام راهکار می‌توان در کاهش اختلاف میان نظریات تمدن‌سازان اسلامی در جهت کاربست تکنولوژی‌های ارتباطی به نفع تمدن اسلامی گام برداریم؟

مباحث نظری

دین به عنوان یک ایدئولوژی اجتماعی خاص، یکی از فرهنگ‌های اجتماعی است و در تاریخ طولانی بشریت، نقشی محوری داشته است. دین نیز با توسعه فناوری ارتباطات انسانی در حال گسترش است و در عین حال رابطه دین و فناوری‌های ارتباطات رابطه دوگانه و برهمدیگر اثر می‌گذارند. فناوری خاص ارتباطات خاص را ممکن می‌سازد و ارتباطات خاص به اشکال اجتماعی و فرهنگی خاصی منجر می‌شود. توسعه فناوری ارتباطات از ساده به پیچیده و از دوره ارتباطات شفاهی به دوره رسانه‌های چاپی

و سپس به دوره رسانه‌های الکترونیکی و دوره رسانه‌های دیجیتال رسیده است. با توسعه فناوری ارتباطات، دین فرایند شکل‌گیری، دوران امتیاز، محبوبیت، سکولاریزاسیون و دوران کثرت‌گرایی را تجربه کرده است. مردم می‌توانند ببینند که هر تغییری در فناوری ارتباطات منجر به تغییرات مذهبی و دینی شده است (Yang, 2019: 2024). بر همین اساس در مباحث نظری رابطه میان تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ها با ماهیت دین دو دیدگاه اصلی وجود دارد. عده‌ای ماهیت تکنولوژی‌های ارتباطی را خنثی و صرفاً به عنوان ابزاری می‌دانند که هیچگونه تقابلی با ماهیت ادیان و در نتیجه با تمدن اسلامی ندارد. در واقع معتقد به نوعی همگرایی میان این دو حوزه هستند. عده‌ای هم بر این عقیده‌اند که تکنولوژی‌های ارتباطی خود دارای ماهیت و محتوای مستقلی هستند که با ماهیت ارزش‌های اسلامی در تضادند. اغلب تمدن‌سازان و نظریه‌پردازان مسلمان در دسته دوم قرار می‌گیرند. یعنی میان تکنولوژی‌های ارتباطی و دین نوعی واگرایی وجود دارد و موجب روند سکولاریسم می‌شوند که با غایت دین در تضاد است. البته قابل ذکر است که شواهد حاکی از آن هستند که ادیان (خاصه اسلام) در دوره تجدد متاخر و یا عصر پست‌مدرن همانند گذشته پایدار مانده و حتی گسترش نیز داشته‌اند، چنان‌چه پیتز برگر معتقد است که اضمحلال و مرگ دین بسیار اغراق‌آمیز است و ادیان همچنان همانند گذشته قوی هستند و حتی قوی‌تر نیز شده‌اند (هورر، ۱۳۸۶: ۴۶۲). یکی از مهمترین مظاهر این نظریات، شکوفایی تمدن نوین اسلامی در عصر جهانی شدن است. نظریه «تمدن نوین اسلامی»، دربردارنده دو بعد تمدنی و اسلامی است که درون خود اندیشه تعالی، تمدن برتر، تکامل و هویت را دارد (نجفی، ۱۳۹۹: ۲).

ماهیت تمدن ریشه در خصلت‌های فرهنگی و ارزشی مناسبات و روابط اجتماعی جوامع دارد که به هویت ملت‌ها خصلت‌ثبات و پویایی می‌بخشد. رمز ماندگاری تمدن‌ها عبور هوشمندانه از گذرگاه رودخانه‌ای هویتی تاریخی است که در پارادکس ثبات و پویایی بتواند تبدیل به حرکت زایشی شود و بر اساس ظرفیت‌های درونی و پویایی بیرونی ماندگار باقی بماند. یکی از ویژگی‌های تمدن اسلامی، جهان‌بینی ثبات و پویایی است؛ یعنی نظام هستی، نظام باثبات، محکم و معناداری است، و تمدن اسلامی بر سنن و قوانین الهی پایه‌ریزی شده است (عیوضی، ۱۳۹۴: ۴۶۳). به نظر می‌رسد بررسی نظرات و اندیشه‌های علمای اسلامی در قالب گفتمان‌های اسلام سیاسی و تبیین نظام معنایی هر یک، جامعه را در دستیابی به ترسیم نقشه راهی مبتنی بر چشم‌انداز مشخص یاری می‌رساند (روحی، ۱۳۹۲: ۵). بر همین اساس می‌توان ادعا کرد که انقلاب اسلامی ایران شروع یک تحول تمدنی است. لیکن تمدن نوین اسلامی نگاه کلانی است که زمینه را برای دستیابی به افق آرمانی انقلاب اسلامی فراهم کرده

و مسیر راه را ترسیم می‌کند. این حوزه تمدنی مجموعه‌ای از چندین موضوع کلان را شامل خواهد شد که لازمه دستیابی به الگوی تمدن نوین اسلامی پژوهش عمیق در این عرصه است (عیوضی، ۱۳۹۴: ۴۶۰). لازم به یادآوری است که انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک منشأ نوین تمدنی از ریشه‌های کهن تمدنی در صدر اسلام و اوج شکوفایی دولت‌های صفوی تغذیه شده است.

دیدگاه‌های ابزارگرایانه

این دیدگاه به طور کلی مبتنی بر این فرض است که تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ها کاملاً ماهیت ابزاری و خنثی دارند که هم می‌توانند در اختیار مفاهیم و مضامین و عرصه‌های دینی و هم در اختیار گروه‌های سکولار و غیردینی قرار گیرند. این نظریه‌پردازان با تبیین فلسفی، تکنولوژی را وسیله‌ای برای فعالیت انسانی می‌دانند. بر اساس این دیدگاه تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ها در ذات خود واجد هویت فرهنگی مستقلی نیستند؛ بلکه به مثابه ابزاری هستند که می‌توانند در خدمت پیام‌های مختلف باشند و در هر فرصت به شکل خاصی ظهور نمایند (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳۶). بر این اساس نسبت دین و رسانه می‌تواند از لحاظ منطقی به هر صورت ممکن باشد و ملاحظیات تاریخی و اجتماعی یکسره نادیده گرفته می‌شود (خجسته، ۱۳۸۶: ۱۵۷). بدین معنا که استفاده از هر شکل از تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی فرهنگ خاصی را منتقل نمی‌کند و اثری که ناشی از آن رسانه باشد وجود خارجی ندارد. در نتیجه تمدن اسلامی می‌تواند از هرگونه رسانه‌ای استفاده کند، بدون اینکه اثر سوئی بر آن داشته باشد؛ همانطور که تمدن اسلامی به سفارش کتاب آسمانی از دانش جدید بی بهره نبوده است. بر همین اساس در کلام الله مجید آمده است خدا [رتبه] کسانی از شما را که به دین گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است (مجادله، ۱۱). با اندک دقتی در مضامین آیات، روایات، احادیث و مفاهیم مرتبط با علم و استفاده از تکنولوژی، به صورت برجسته مشهود است که جایگاه عالمان، مقام بلند و رفیعی است و علم نافع بر علم مخرب برتری دارد (نجات‌بخش اصفهانی و قریشیان، ۱۴۰۰: ۹۹).

البته تفکر ابزارگرایانه نخستین بار در اندیشه‌های ارسطو دیده می‌شود و ارسطو تکنولوژی را وسیله‌ای برای نظم و سازمان لازم می‌داند که انسان بتواند از طریق آن به هدف خود نایل گردد (مهری‌بهار، ۱۳۸۶: ۹۵). از دیگر نظریه‌پردازان این رویکرد، می‌توان به هود اشاره کرد. وی تکنولوژی را فاقد معنا می‌داند و آن را صرفاً وسیله‌ای در خدمت اهداف معین می‌داند. همچنین می‌توان از رویکرد ابزارگرایانه

آرمسترانگ نام برد که در دیدگاه او، رسانه ابزاری خنثی و بی طرف تلقی می‌شود که می‌توان از آن برای مقاصد خیرخواهانه‌ای چون انتشار و پخش کتب مقدس، روایات و احادیث دینی استفاده کرد. رابرتسون نیز از دیگر نظریه پردازانی است که هیچگونه تقابلی را میان ماهیت تکنولوژی ارتباطی و غایت دین نمی‌بینید. وی معتقد است کلیسیا باید از این‌گونه تکنولوژی‌ها جهت تعلیم و آموزش و پرورش در آمریکا استفاده کند و عدم استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی توسط کلیسیا را دیوانگی محض می‌داند (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳۷). مارکوزه نیز تکنولوژی را فی‌نفسه دشمن نمی‌انگارد و بر اساس دیدگاه مارکس، تکنولوژی در ذات خود مسأله نیست و می‌توان آن را برای ساختن یک جامعه بهتر بکار بست (ریترز، ۱۳۹۰: ۲۰۳). البته اغلب نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت بر این عقیده‌اند که رسانه‌ها ممکن است جایگزین مذهب شوند و جامعه‌ای توده‌ای را تشکیل دهند (اعتقاد به تناقض میان ماهیت دین و تکنولوژی ارتباطی). بطور کلی، به زعم نظریه‌پردازان ابزارگرا، از آن جایی که تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ها فاقد هویت و محتوای مستقل هستند، پس آنها نمی‌توانند هیچگونه مغایرتی با ماهیت دین داشته باشند. آنها بر همگرایی این دو حوزه تأکید دارند و بیشتر به فرصت‌های بوجود آمده توسط این‌گونه تکنولوژی در عرصه‌های دینی می‌پردازند. به نظر می‌رسد چنین برداشتی بسیار ساده‌لوحانه باشد. این رویکرد در معرض انتقادات شدیدی قرار گرفته و از جمله انتقادات شدید به این نظریات، دیدگاه‌های ذات‌گرایانه هستند.

دیدگاه‌های ذات‌گرایانه

این دیدگاه مدعی است که تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ها ذاتاً دارای هویت فرهنگی و تاریخی هستند و می‌توانند با ماهیت دین در تعارض باشند. از جمله برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این دیدگاه، هایدگر و نیل پستمن هستند. هایدگر با دیدگاه فلسفی و وجودی و پست من با دیدگاه فرهنگی به ذات‌گرایی اعتقاد دارند. در واقع نخستین کسی که به دیدگاه‌های ابزارگرایانه انتقاد وارد کرد، هایدگر بود. از نظر وی تکنولوژی یک ابزار صرف نیست، بلکه نحوه‌ای از انکشاف است. وی تکنولوژی را دارای هویت می‌داند و معتقد است که تکنولوژی با ساختار وجودی انسان عجین شده است. وی همچنین به انسان مدرن درباره خطر ذاتی تکنولوژی هشدار می‌دهد و آزادی و اختیار انسان محصور شده در جبر فناوری می‌داند. به‌طور کلی، از نظر هایدگر، از آنجا که ماهیت تکنولوژی‌های ارتباطی و به تبع آن رسانه‌ها با

تسخیر طبیعت همراه است، لذا تلاش در جهت دینی کردن رسانه‌ها و یا رسانه‌ای کردن ادیان تلاشی بی‌فایده است (علی‌زمانی، ۱۳۷۹: ۱۹۸).

نیل پستمن نیز با دیدگاهی فرهنگی به ذات‌گرایی معتقد است. از نظر وی ظهور تکنوپولی نوعی انحصارگرایی تکنولوژی است که بدین طریق تکنولوژی جایگزین خدا می‌شود. تکنوپولی، فرهنگ و دین را غیر قابل رویت و در نتیجه غیر معتبر می‌سازد. در نظر او از جمله مهمترین عناصر برنامه دینی این است که از نوعی قداست معنوی برخوردار باشد، در حالیکه تلویزیون ذاتاً این جهانی (دنیوی) است. از این رو جمع این دو مقوله تبدیل یک برنامه قدسی به آیین مادی است (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۱). نظریه‌پردازان دیگر نظیر حروم برونر، ژاک گودی، والترانگ، مارشال مک‌لوهان (رسانه، خود پیام است) نیز به تسلط ذات‌گرایانه تأکید دارند. آنها معتقدند که با تسلط این گونه تکنولوژی‌های ارتباطی، توانایی درک و دریافت‌های بشری تضعیف شده و در نتیجه ساختار قدرت تفکر انسان دگرگون می‌شود.

بارهایم معتقد است رسانه‌ها با تکنیک‌های افسون‌گرایانه، پیچیده و وسیع خود درصدد از بین بردن ماورالطبیعه هستند (مهری‌بهار، ۱۳۸۶: ۹۱). بودریار نیز معتقد است که رسانه‌های همگانی دیگر آینه واقعیت نیستند، بلکه خود واقعیت و یا حتی واقعی‌تر از واقعیت‌اند. هدف دین، روشن کردن حقیقت و واقعیت است در حالی که تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌های امروزی اهداف‌شان دروغ‌بافی و تحریف و انتقال آن به مخاطبان است. در این معنا بودریار نیز ماهیت تکنولوژی ارتباطی را با ماهیت دین در تضاد می‌بیند (ریترز، ۱۳۹۰: ۸۱۸). ژاک دریدا معتقد است که از قابلیت مذهب در عصر رسانه کاسته شده و از جانب دیگر در نظر وی مذهب بطور بنیادین با مدرنیته در تضاد است و نمی‌تواند در دوره مدرنیته و عقلانیت جان سالم به دربرد (هوور، ۱۳۸۶: ۴۶۱).

به طور کلی بسیاری اعتقاد دارند که ظهور تکنولوژی‌های نوین در عصر حاضر با لحاظ تحولاتی که همراه آن بوجود آمده است، بسیاری از کارکردهای عوامل تاثیرگذار در سبک زندگی از جمله خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. امروزه با هجوم شبکه‌های ماهواره‌ای، ارتباطی و اجتماعی، که معلول و زائیده تکنولوژی هستند، بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی فرهنگ‌های غنی نشانه گرفته شده و همچنین، غلبه اندیشه‌های مادی‌گرایانه و غیردینی بر زندگی باعث شده که زندگی هر روز از معنای اصلی خود به سوی معناهای نمادی و ساخته شده مبتنی بر همین تفکرات، گرایش پیدا کند (نجات‌بخش اصفهانی و قریشیان، ۱۴۰۰: ۹۹). علاوه بر این در حال حاضر هر نوع بستر ارتباطی مبتنی بر اینترنت به ابزاری برای ارتباطات و توسعه دینی تبدیل شده است. در حالی که اینترنت توسعه دین را بسیار تقویت می‌کند،

اما انواع پدیده‌های نادرست و زشت در جامعه تحت لوای دین مانند تروریسم، افراط‌گرایی مذهبی، کلاهبرداری شبکه‌ای، فرقه‌گرایی و غیره نیز از مورد سواستفاده قرار می‌گیرد که توسعه سالم و منظم دین را به خطر انداخته و اساس ارزش‌های انسانی را به چالش کشیده است (Yang, 2019: 2027).

جدول ۱- مقایسه دو دیدگاه غالب تکنولوژی-های ارتباطی

دیدگاه‌های ابزارگرایانه	دیدگاه‌های ذات‌گرایانه
ماهیت خنثی و بی‌طرف بودن	در تعارض با دین و فرهنگ
ابزاری برای آموزش دینی و معرفی آن	به چالش کشیدن ارزش‌های دینی و انسانی
تکنولوژی ارتباطی فاقد معنا	در اختیار طبقه حاکم
همگرایی حوزه دین و رسانه	واگرایی حوزه دین و رسانه
ترویج ارزش‌های انسانی	اندیشه‌های مادی‌گرایانه و غیردینی

در دیدگاه ابزارگرایانه رسانه به دلیل ماهیت خنثی و بی‌طرف بودنش، اغلب به عنوان ابزاری مفید برای معرفی دین و آموزه‌های دینی قرار می‌گیرد و در این رویکرد تکنولوژی‌های ارتباطی یک نوع فرصت فی‌الذمه مطلوب قلمداد می‌شوند. اما بر پایه دیدگاه ذات‌گرایانه ابزار نوین در اختیار کسانی است که عامدانه هویت‌های دینی را نشانه گرفته‌اند. این دیدگاه قائل به نقش مثبت دین در جامعه نیست و تکنولوژی‌های ارتباطی نوین را معارض هویت دینی افراد معرفی می‌کنند. بطور کلی در دیدگاه‌های ذات‌گرایانه، امکان تجمع تکنولوژی‌های ارتباطی و دین به دلیل ماهیت متفاوت‌شان، تقریباً محال است. در نتیجه آنها به واگرایی این دو حوزه اعتقاد دارند و بیشتر بر تهدیدهایی که تکنولوژی‌های ارتباطی برای مذاهب و ادیان بوجود آورده‌اند، تأکید می‌کنند، در حالی که دیدگاه‌های ابزارگرایانه بر فرصت‌های بوجود آمده تأکید می‌کردند. در هر حال، از آنجایی که ارتباطی دیالکتیک میان نظریه و واقعیت در حوزه دین و تکنولوژی‌های ارتباطی وجود دارد، نظریه‌پردازی در این دو حوزه به شدت متأثر از واقعیت‌های موجود است (خجسته، ۱۳۸۶: ۱۶۱). در نتیجه باید دید که چه الگویی در واقعیت میان این دو حوزه برقرار می‌شود، آیا باید از فرصت‌ها نام برد یا از تهدیدها؟

روش تحقیق

در این پژوهش از روش کیفی اسنادی استفاده شده است. از روش اسنادی به منظور مطالعه رویدادهای گذشته و کشف دلایل‌های پیشامد این رویدادها استفاده می‌شود. بر اساس این روش اسناد و رویکردهای نظری موجود از طریق تحلیل محتوای کیفی، بررسی و تحلیل می‌شوند و مقولات به دست آمده از تحلیل در یافته‌ها و نتایج به عنوان پاسخی برای سوالات پژوهش در نظر گرفته می‌شوند. همچنین تحلیل سند در پژوهش‌های کیفی شامل نقل قول‌های گزیده مفید، نقل قول‌ها و عبارات مطلق از ثبت و ضبط‌های سازمانی، بالینی و یا برنامه، یادداشت‌ها و مکاتبات، نشریات و گزارش‌های رسمی، دفترهای یادداشت و پاسخ‌های مکتوب باز به پرسشنامه‌ها و پیمایش‌ها است. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق شامل بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، روایات و احادیث و همچنین تفسیرهای مرتبط با این آیات و روایات است.

یافته‌ها و تحلیل مفاهیم

تمدن اسلامی

واژه تمدن، معنایی و تعاریف گوناگونی دارد. به عقیده جامعه‌شناسان تمدن حالتی مترقی است که ملت‌ها در پرتو آن تحت تأثیر دانش‌های جدید قرار می‌گیرند و به نهایت ترقی و علوم و فنون دست می‌یابند. ویل دورانت تمدن را به شکل کلی آن، عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند (شریعتی، ۱۳۷۵: ۷۶). در تعریفی دیگر می‌توان تمدن را مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین، یا حالات پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن، پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادی اجتماعی و سیاسی است دانست (انوری، ۱۳۸۳: ۸۶۹). از نظر سامونل‌هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷).

تمدن اسلامی نامی است که به تمدن شرق همزمان با قرون وسطی اطلاق می‌شود. تمدن اسلامی تمدن یک ملت یا نژاد خاص نیست، بلکه مقصود، تمدن ملت‌های اسلامی است که عرب‌ها، ایرانیان، ترک‌ها و دیگران را شامل می‌شود، که به وسیله دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شدند (دیانت، ۱۳۳۷: ۷). این تمدن با هنر ایرانی و رومی و سایر جوامع ترکیب شده و تمدنی به نام تمدن اسلامی به وجود آورد (تاج‌بخش، ۱۳۸۱: ۹۹). با پیدایش اسلام و انتشار سریع و

گسترده آن در میان اقوام و ملل و جلب و جذب فرهنگ‌های گوناگون بشری بنای مستحکم و عظیمی از فرهنگ و تمدن انسان پایه‌گذاری شد، که در ایجاد آن ملل و نژادهای مختلفی سهیم بودند. این ملل با ارزش‌ها و ملاک‌های نوین اسلامی موفق به ایجاد تمدنی شدند که بدان تمدن اسلامی گفته می‌شود. به طور کلی تاکنون صدها مقاله و کتاب درباره علم و فرهنگ و تمدن اسلامی ارائه شده است. از جمله تاریخ علم جرج سارتن در اوایل قرن بیستم، تمدن اسلامی میکال آندره و گوستاولوبون، فرهنگ اسلام در اروپا از هونکه، کارنامه اسلام زرینکوب، تمدن اسلامی جرجی زیدان در نیمه قرن بیستم که از پیشگامان تحقیقات در میراث تمدن و علوم و فرهنگ اسلامی هستند و شیوه واقع‌گرایی اسلامی در اتخاذ شیوه‌های علمی در کسب دانش منجر به انتقال و تکامل و توسعه موفق دانش‌ها در تمدن اسلامی شد (شهیدی‌پاک، ۱۴۰۰: ۴۱). بر همین اساس تمدن اسلامی بخش اعظم تلاش‌های تمدنی تمدن‌سازان مسلمان است که بخشی از هویت جامعه اسلامی شده است.

تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی

انقلاب اطلاعات که در دهه هفتاد و از منطقه سیلیکن در کالیفرنیا آغاز شده بود، با سرعت، مسیر طبیعی، فرهنگی و معنوی انسان را در سراسر سیاره و در همه ابعاد در معرض تغییرات و تحولات اساسی و بنیادین قرار داده است. تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، امکان ظهور جامعه شبکه‌ای را فراهم آورده، که موجب تعاریف تازه‌ای از انسان شد. در عین حال خود این شبکه تحت تأثیر دینامیسم داخلی دستخوش تغییرات دائمی و در نتیجه ایجاد الگوهای جدید زمین و حیات در نقاط مختلف است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۰).

گیدنز از تکنولوژی اطلاعاتی به عنوان عاملی یاد می‌کند که معمولاً ساخت سازمانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وی معتقد است از آن جایی که پردازش داده‌ها می‌تواند بلافاصله در هر نقطه‌ای از جهان انجام گیرد، دیگر نیازی به مجاورت فیزیکی میان افراد نیست. از جمله فواید دیگر این‌گونه تکنولوژی‌ها، سرعت در انجام کار، کاهش هزینه، انعطاف‌پذیری روند کار سازمانی، گرایش به کوچکتر شدن اندازه سازمان و متمرکز شدن آنها می‌داند (گیدنز، ۱۳۹۰: ۳۲۶). کاستلز از ظهور نوعی پارادیم تکنولوژی اطلاعاتی سخن به میان می‌آورد که با ویژگی‌های خاص خود، شالود مادی جامعه اطلاعاتی را تشکیل می‌دهند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۹۲). به هر حال ابزارها و وسایلی که به هر طریق موجب تولید، انباشت، پردازش و اشاعه اطلاعات شوند، تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی نامیده می‌شوند. و در واقع واژه.

هایی هستند که مجموعه وسیعی از تکنولوژی‌های ارتباطات از قبیل کامپیوتر، ماهواره را شامل می‌شود و بهره‌گیری جدید از رسانه‌های قدیمی‌تر از طریق کاست، ویدئو، پخش صوت‌های دیسکی و تکنولوژی مخابراتی که ارتباط‌های پیچیده‌تری را فراهم می‌سازند را، در بر می‌گیرد (هنسون، ۱۳۷۲: ۱۴). بر این مبنا هر رسانه‌ای که قابلیت انتقال و جابجایی اطلاعات از یک نقطه به نقطه‌ی دیگری را داشته باشد و هدف آن برقراری ارتباط باشد، در قلمرو تکنولوژی ارتباطی قرار می‌گیرد.

کاربست تکنولوژی‌های ارتباطی در عرصه‌های دینی

با اختراع صنعت چاپ، اولین چیزی که چاپ شد کتاب مقدس مسیحیان؛ یعنی انجیل بود. این مطلب نشان دهنده رابطه دوستانه‌ای است که از همان ابتدا میان دین و تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ای وجود داشته است (راوودراد، ۱۳۸۶: ۲۰۳). ارائه آموزه‌های دینی در سرتاسر جهان قرن‌های متمادی مرهون رسانه‌های سنتی بود. اما از حدود هشتاد سال پیش جمعیت‌ها و سازمان‌های دینی با بهره‌گیری از رسانه‌های الکترونیک، اقدامات چشمگیری را در این زمینه نو-ظهور سامان بخشیدند (باهنر، ۱۳۸۶: ۶۷). جریان انجیل‌گرایی، اولین نهاد مذهبی بود که بطور رسمی در نوامبر ۱۹۲۰ نخستین برنامه‌های رادیویی را پخش کرد. اولین برنامه دینی از اولین ایستگاه مجازی رادیویی، یعنی «کی.دی.کی. آی» در تسبورگ پنسیلوانیا ارسال می‌شود. تا سال ۱۹۲۵ حدود ۶۳ ایستگاه رادیویی تحت مالکیت موسسات دینی بود. در اروپا، اولین پخش رادیویی دینی در پایان دسامبر ۱۹۲۲ از طریق بی‌بی‌سی انجام شد (جوادی یگانه، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

در آغاز کاربرد تکنولوژی‌های ارتباطی در عرصه‌های دینی، این رهبران اولیه جنبش انجیل‌گرایی بودند که در کسب فرصت تکنولوژی بسیار خوب و شتابان عمل کردند و آنها را قادر به برقراری ارتباط میان انجیل با جماعت حضار کرد. به عنوان مثال برنامه «احیای مذهبی» ساخته شده توسط چارلز فولوسر، در اوایل دهه ۱۹۴۰ به بزرگترین رادیو در کشور تبدیل شده بود (Penning, 2002: 18). همچنین انجیل‌گرایان در ریودوژانیرو از برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و رسانه‌های جمعی بهره می‌جویند تا بدین وسیله افراد فقیر را به سرمایه‌داران اجتماعی و دینی تبدیل کنند، تا حقوق و شناخت بیشتری در جامعه داشته باشد (Battaglia, 2007: 402). پس از آن، آنها به همراه بهره‌گیری چند رسانه‌ای با هدف تبلیغ دین، کلیسای الکترونیک را بوجود آوردند. هدف اصلی کلیسای الکترونیک، ارائه خدمات دینی به افرادی است که امکان حضور در کلیسا را ندارند. فراهم ساختن زمینه درک بیشتر مردم، ارتباط

دین با زندگی روزمره و آموزش بیشتر ادیان نیز از دیگر اهداف کلیسای الکترونیک به شمار می‌رود (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۶: ۱۱۷). هر چند که هدف این کلیساهای الکترونیک در ابتدا عمدتاً پاسخگویی به نیازهای متدینان بود و نه متدین کردن انسان‌های بی‌دین، ولی بعداً تمامی مردم را مخاطب خود قرار دادند (خجسته، ۱۳۸۶: ۱۱۶). به طور کلی در دهه ۱۹۹۰، ارتباطات مذهبی در کشورهای غربی شدیداً به رسانه‌های الکترونیکی وابسته شده است و با توسعه سریع اینترنت همه جنبه‌های زندگی تحت تاثیر قرار گرفت. اینترنت در دین نیز نفوذ کرده و تأثیر عمیقی بر آن داشته است. همچنین اینترنت در پیچه دیگری را برای گسترش و توسعه دین باز کرده و دین از مرزهای خانواده، جامعه، کشور و عقیده عبور کرده است. تحت تأثیر همه جانبه بسیاری از مزایای رقابتی، مانند راحتی، سرعت، تعامل قوی و هزینه کم، دین آنلاین به سرعت توسعه یافته است. به همین دلیل، برخی از محققان اشاره می‌کنند که در دوران پس از ظهور تلویزیون، اینترنت قوی‌ترین ابزار برای معرفی ادیان را فراهم کرده است (Yang, 2019: 2027).

در سال ۲۰۰۰، ۲۶۰ ایستگاه تلویزیونی مذهبی وجود داشت. از جمله شبکه تلویزیونی جهانی کاتولیک که ادعای دارا بودن ۶۴ میلیون بیننده دائمی بود. همچنین شبکه تلویزیونی یهود ۱۳ میلیون، شبکه اصلی انجیل‌گرایان ۱۲/۵ بیننده همیشگی داشتند (Hoover, 2006: 60). در حال حاضر در ایران هم برنامه‌ها یا شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و ماهواره‌ای خاصی وجود دارند که با عناوین دینی به تولید و پخش برنامه می‌پردازند و شبکه‌های رادیویی قرآن و معارف در کنار برنامه‌های دینی که در سایر شبکه‌ها پخش می‌شوند، فعالیت دارند (راو‌دراد، ۱۳۸۶: ۲۰۹). همچنین سایت‌ها و وبلاگ‌هایی که محتوای دینی دارند و تعداد آنها روبه افزایش است، مانند سایت تبیان در ایران بسیار رواج پیدا کرده‌اند (آشنا، ۱۳۸۶: ۲۶). علاوه بر این شنیدن آنلاین قرآن در هر زمان و مکان از مزایای این تکنولوژی‌های ارتباطی است. به ططور کلی این تصویر بسیار کوچکی از کاربرست تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ها در عرصه‌های دینی است، ولی آن چه که در اینجا محل اعتناست و لازم است که بیشتر به آن پرداخته شود این است که کارگزاران دینی، برای چه هدف‌هایی از این گونه ابزارها استفاده می‌کنند؟

بسیاری از برنامه‌هایی که محتوای دینی دارند، برای نشر و اشاعه عقاید دینی بکار می‌روند. برای نمونه از نظر «اسلام‌آلمرایتی» رسانه‌ها در غرب به گونه‌ای عمل می‌کنند که هرگاه بحث تروریسم به میان می‌آید، بی‌درنگ مسلمانان در معرض اتهام قرار می‌گیرند و آن را به گونه‌ای به تمدن اسلامی و کل مسلمانان مرتبط می‌سازند. در اخبار رسانه‌های غربی، بنیادگرایی اسلامی همیشه همراه با خشونت بکار می‌رود تا

بطور طبیعی در ذهن مخاطبان نگرش منفی ایجاد کنند (بهرام‌پور، ۱۳۸۰). همچنین چنین اهدافی در برنامه‌های خبری تلویزیون در آمریکا، تمدن اسلامی را به عنوان یک تمدن جنگجو و تروریست به مردم معرفی می‌کنند (Zachary, 1995: 39).

از جمله منابع بسیار آشکار در این زمینه، کاربست‌های تکنولوژی ارتباطی در عرصه‌های دینی، در سینمای هالیوود است. سینمای هالیوود طی سه دهه گذشته به مدد فناوری برتر فیلم‌سازی از قدرت و جذابیت فوق‌العاده‌ای در عرصه‌هایی جهانی برخوردار شده است، ولی فیلم‌های هالیوودی به خودی خود تنها فیلم و سرگرمی نیستند، بلکه بدنبال خود، تعالیم دینی خاص، عقاید خاص، اهداف و کارکردهای پنهان (اغلب عقاید نومحافظه‌کاران و صهیونیست‌های مسیحی) را انتقال می‌دهند. هالیوود مجموعه‌ای از مفروضات زیربنایی در رابطه خداوند و جهان به تماشاگران عرضه می‌نماید، به طوری که از آن می‌توان به عنوان «تعالیم هالیوودی» یاد کرد (یزدی، ۱۳۸۶: ۲۳۹). آمریکا از این صنعت بیشترین استفاده را در جهت تخریب چهره ادیان دیگر (به‌خصوص مسلمانان و البته فرهنگ و تمدن اسلامی) کرده است تا بتواند به اهداف سیاسی خود در این گونه کشورها دست یابد. بطور کلی، به عنوان نتیجه آمریکا با تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ای خود، بالاخص هالیوود در پی آن است که، اولاً تصویر مسلمانان را اهریمنی نشان دهد، تا سیاست سلطه خود را در تاراج منابع کشورهای مسلمان توجیه کند. ثانیاً با جهانی نمودن این تصویرسازی‌ها از مسلمانان، پابندی آنها را به هویت دینی و ملی خود سست کنند و به تقویت و غلبه هویت آمریکایی بپردازد (یزدی، ۱۳۸۶: ۲۲۷). همانگونه که مشاهده شد، کاربست تکنولوژی‌های ارتباطی از یک طرف فرصت‌هایی را برای ادیان بوجود می‌آورد و از طرف دیگر سبب تهدیدهای هویتی، دینی و فرهنگی برای آنها می‌شود.

رویکرد تمدن اسلامی نسبت به تکنولوژی‌های ارتباطی

هر دینی به دنبال برقراری ارتباط میان انسان‌هاست، برای اینکه بتواند اهداف خود را بر مبنای خاص خود بنا کند (فیاض، ۱۳۸۶: ۳۳۹). بدون شک تمدن اسلامی نیز به عنوان یک تمدن بزرگ که مدعی فراگیر شدن در کل جهان است، از این قاعده مستثنا نیست، و این تمدن با تمدن‌های دیگر تفاوت‌هایی در نوع نگاه به زندگی دنیوی و مادی وجود دارد.

تمدن اسلامی با قرآنی غایت‌مدار و متعالی، تفسیری حداکثری از دین دارد که همه ساحت‌های زندگی بشر را احاطه نموده است (سعیدآبادی، ۱۳۸۶: ۲۶۵). اسلام و مذاهب آن با بسیاری از ادیانی که بر

اخلاق تأکید دارند، متفاوت است. به خاطر همین ویژگی قوانین دین اسلام و تمدن اسلامی در همه شئون و ابعاد زندگی مسلمان مومن نفوذ دارد (آیت‌اللهی، ۱۳۸۶: ۴۶). در تمدن اسلامی هرگونه فعالیت حتی در حوزه‌های دنیوی نیز در جهت فعالیت‌های معنوی قرار دارد و تمام اعمال انسانی در هر جنبه‌ای، چه مادی و چه غیر مادی، برای خداست. تمدن اسلامی نظامی از ارزش‌هاست که نمی‌تواند هرگونه چارچوب از پیش تعیین شده دنیای بیرونی را بپذیرد. بنابراین به نظر می‌رسد که تمدن اسلامی با چالش‌های بسیار زیادی، با مسائل دنیوی از جمله تکنولوژی‌های ارتباطی روبه‌رو شود.

اهمیت ابعاد اطلاع‌رسانی در تمدن اسلامی بقدری است که حتی اولین آیه‌ای که بر پیامبر نازل می‌شود، حاوی پیام‌های اطلاعاتی و ارتباطی است. حتی نظر به این عقیده مسلمانان که اولین انسان روی زمین، پیامبر است و همچنین اعتقاد به وجود ۱۲۴ هزار پیامبر که همگی با یک هدف ارتباطی مبعوث شدند، و علاوه بر این، نام‌رسانی هدهد سلیمان (نمل، ۲۸)، حضور آنی ملکه سبا به امر خدا (نمل، ۴۲) و عروج عارفانه نبی مکرم به عرش الهی (نجم، آیات ۱۳ تا ۱۸)، نام‌های پیامبر به خسرو پرویز و دیگر سران کشورها (اعراف، ۱۵۸)، نامه حضرت علی به مالک اشتر و... همگی نشانه و نمادی از اهمیت اطلاع‌رسانی در مکتب انسانی تمدن اسلامی است.

همچنین تمدن اسلامی با داعیه جهانی، تمدنی است جاودانی که برای دستیابی به مدارج عالی انسان نیز هیچ‌گونه محدودیتی قایل نشده، جز محدودیت‌های خارج از گستره دین و زمین و آسمان را در اختیار انسان نهاده تا به آن چه مطلوب آن است، دست یابد. مسلماً، یکی از وسایل رسیدن به مدارج عالی، تکنولوژی‌های ارتباطی است. هر چند آنها ممکن است در برابر تغییرات و کارکردهای مورد نظر دین مقاومت کنند، لیکن در نهایت می‌توانند درست‌ترین و بهترین پدیده‌ای باشند که برای عرضه مفاهیم دینی در اختیار کارگزاران دینی قرار گیرند (سعیدآبادی، ۱۳۸۶: ۲۶۱). حتی عده‌ای از محققان مسلمان، گسترش این‌گونه تکنولوژی‌ها را برای تمدن اسلامی بسیار مفید فایده می‌دانند. برای مثال ستوده‌نیا (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «فناوری اطلاعات و ظهور جلوه‌ها و فرضیه‌های نوین در اعجاز علمی قرآن»، با ذکر مثال‌هایی به این نتیجه می‌رسد که بهره‌گرفتن از فناوری و تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی می‌تواند ما را در تعیین عجایب و شگفتی‌های علمی قرآن و کشف سیستم‌های موجود در آیات و سوره‌ها یاری کند.

در بعضی مواقع نیز، کاربست تکنولوژی‌های ارتباطی برای جنبش‌ها، نهضت‌ها و انقلاب‌های تمدن اسلامی بسیار موثر واقع شد. به عنوان نمونه در ایران، امام خمینی از تکنولوژی قدرتمند (نوار کاست)

استفاده کرد که بعضی از آن به انقلاب نوارکاست تعبیر می‌کنند که بدان طریق اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های حضرت امام به سرعت در سرتاسر کشور پخش می‌شد. در سال ۱۹۷۰ حتی زمانی که به پاریس تبعید شده بود، خطبه‌های ایشان در سرتاسر ایران پخش می‌شدند و وسیله مخالفت با رژیم سرکوبگر شاه بودند (Zakaria, 2000: 13). الوین تافلر معتقد است که امام خمینی رسانه موج اول، یعنی سخنرانی‌های شفاهی و چهره به چهره روحانیون را به تکنولوژی موج سوم، یعنی نوارهای صوتی و دستگاه‌های ساده تکثیر، تلفیق کرد (باهنر، ۱۳۸۶: ۱).

تمدن اسلامی در جهت کاربست تکنولوژی ارتباطی، آن را با ماهیت خود هماهنگ می‌کند، نه اینکه ماهیت صرف اینگونه تکنولوژی‌ها را بدون هیچ‌گونه محاسبه سود و زیانی بپذیرد. تمدن اسلامی با نفس تکنولوژی‌های ارتباطی و فرآورده‌های آن هیچ‌گونه مخالفتی ندارد، مادامی که آنها در مسیر آموزه‌ها و تعالیم تمدن اسلامی مفید فایده واقع شوند. در واقع تمدن اسلامی باید تکنولوژی‌های ارتباطی و در کل مدرنیته را به خدمت خود درآورد، بدین دلیل که اهداف شوم رسانه‌های غربی و مدرنیته را خنثی کرده و برعکس از آنان در خدمت اهداف تمدن اسلامی استفاده کرد. البته باید به این نکته واقف بود که ذات تمدن اسلامی، هیچ‌گونه تناقضی را با تکنولوژی ارتباطی ندارد و اگر کشورهای مسلمان در میزان کاربست آنها ضعیف هستند (محسنیان‌راد، ۱۳۸۳)، نباید آن را به ماهیت تمدن اسلامی ربط داد، بلکه نظر به اینکه کاربست تکنولوژی‌ها از جمله شاخص‌های توسعه کشورها است که باید تحقیق را در مدلی چند سطحی بررسی نموده و بر اساس موفقیت کنونی آن کشور، نتایج به دست آمده را استنتاج کرد.

ظهور یک چالش

با ظهور جامعه همه‌جایی به زعم ژان کازنو، فواصل جغرافیایی معنای سنتی خود را از دست داده و جهان همچون دهکده و یا به تعبیر ملک لوهان قبیله‌ای واحد است، یک حادثه، طینینی نه صرفاً محلی، بلکه جهانی دارد و در همین جامعه است که مقدمات پیدایش فرهنگی جهانی فراهم می‌آید (کازنو، ۱۳۶۵). از طرفی دیگر هر تمدنی، در صدد اشاعه و جهانی‌سازی آموزه‌های خود است. در واقع تمدن اسلامی خود را به عنوان یک دین و فرهنگ زندگی جهان‌شمول برای همه انسان‌ها در هر زمان و مکان معرفی نموده است و پیامبر اسلام را حامل رسالت جهانی می‌داند که نباید در محدوده مرزهای موهوم آن را محصور کرد، «وما ارسلناک الا کافه للناس بشیرا و نذیرا و لکن اکثر الناس لایعلمون»^۱ (باهنر، ۱۳۸۶:

۵). به نظر می‌رسد بزرگترین مشکل تمدن‌ها نسبت به شکل‌گیری ایده «دین جهانی واحد» وجود قرائت‌های متفاوت و مختلف از یک واقعیت یکسان باشد، آنها یک پدیده واحد را با تعاریف و خوانش‌های مختلف عرضه می‌کنند. وجود خوانش‌های یکسان از موعودگرایی می‌تواند تضادهای هویتی دینی را کاهش داده و ایده دین واحد جهانی را پر رنگ کند. به هر حال، هر چند وجود چنین ایده‌ای در روزگاران پیشین به دلیل موانع مختلف به تأخیر افتاده است، در وضعیت مطلوبی که ابزارهای تکنولوژی ارتباطی فراهم ساخته‌اند، زمینه تحقیق چنین آرمانی می‌تواند فراهم شود و فرهنگ و تمدن اسلامی خود را جهانی سازد. کما اینکه رسالت فرهنگ و تمدن اسلامی بر اساس قرآن و احادیث گسترش و ترویج فرهنگ اسلامی در سرتاسر جهان باشد.

نتیجه‌گیری

دین به عنوان یک فعالیت معنوی و ایدئولوژی منحصر به فرد انسان، نقش مهمی در رشد انسان دارد و ظهور و توسعه، تغییر و دگرگونی دین ارتباط تنگاتنگی با فناوری ارتباطات دارد که با تمدن دینی طنین انداز شده و با آن در تعامل است. به ویژه از قرن بیست و یکم، رسانه‌ها به مهمترین عامل تغییر الگوی دینی تبدیل شده‌اند که تأثیر عمیقی بر بقا و توسعه دین در محتوا و شکل دارد. همچنین تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی با ورود به جوامع امروزی تأثیرات شگرفی بر تمامی ابعاد و نهادهای هر جامعه‌ای گذاشته است. از جمله مهمترین تمدن‌های بشری، تمدن اسلامی است که با ظهور این‌گونه تکنولوژی‌ها چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای فراوانی را شاهد بوده است. دو نوع رهیافت تئوریک در مورد رابطه میان تمدن اسلامی و تکنولوژی ارتباطی وجود دارد. از طرفی دیدگاه‌های ابزارگرایانه که معتقدند هیچ‌گونه تضادی میان ذات تکنولوژی ارتباطی و ماهیت دین و تمدن اسلامی وجود ندارد و اختراع و رواج فیلم، پخش رادیویی و تلویزیون نشان دهنده ورود عصر ارتباطات الکترونیکی است، این امر زندگی بشر را تا حد زیادی تغییر داده و تأثیر بی سابقه‌ای بر ادیان جهان داشته است و پس از ظهور رسانه‌های الکترونیکی، ادیان از این رسانه‌ها برای اهداف تبلیغی استفاده کردند.

از سوی دیگر رهیافت‌های ذات‌گرایانه‌ای وجود دارد که ماهیت این‌گونه تکنولوژی‌ها را متضاد با ماهیت و غایت دین و تمدن اسلامی می‌دانند. ولی آنچه که در جهان واقع میان این دو حوزه رخ می‌دهد، موید این است که نحوه نگاه رویکردهای ابزارگرایانه بسیار ساده لوحانه و رویکردهای ذات‌گرایانه بسیار تنگ نظر هستند و به یک رهیافت تعامل‌گرا میان این دو عرصه نیاز هست. به نظر می‌رسد که تکنولوژی‌های

ارتباطی، نه لزوماً تهدیدکننده هستند و نه فی‌نفسه برای عرصه‌های دینی فرصت‌آورانند. در دنیای امروز فعالیت‌های مذهبی سنتی با شرایط عینی مانند مکان، پرسنل و زمان محدود می‌شود. اما ظهور و توسعه ارتباطات و دین شبکه‌ای توسعه فعالیت‌های مذهبی و مشارکت مذهبی مؤمنان، تبادل و اشتراک‌گذاری را بسیار تسهیل می‌کند.

آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که تکنولوژی‌های ارتباطی بسته به اینکه در چه ساختاری کاربرد داشته باشد و مسئولین یک جامعه چه طرز تلقی‌ای از دین و یا چه نوع خوانشی از دین دارند، تاثیرات متفاوت و بعضاً متعارض خواهند داشت. بنابراین همگرایی یا واگرایی میان تکنولوژی ارتباطی و دین بستگی به خوانش و رویکردهای مختلف از دین دارد. از آنجایی که تمدن اسلامی رویکرد حداکثری از دین دارد، در برخورد با تکنولوژی‌های ارتباطی با چالش‌های بسیار بیشتری نسبت به ادیان دیگر مواجه است. تمدن اسلامی برای آنکه بتواند هم از فرصت‌های بدست آمده حداکثر استفاده را کند و هم تهدیدهای فراروی را به حداقل برساند، نگرش خاصی را نسبت به آنها دارد. رویکرد تمدن اسلامی اینگونه است که تکنولوژی ارتباطی را تا جایی بپذیرد که ماهیت آموزه‌های تمدن اسلامی را مخدوش نکند، ولی درصدد این نیست که این تکنولوژی‌ها را در عرصه جامعه براندازد. همچنین منشأ تفاوت میان نظریات تمدن‌سازان اسلامی و مسلمان در کاربست تکنولوژی‌های ارتباطی، تفاوت در روش موضوع‌شناسی است، نه تفاوت در ماهیت و اصول دین. باعنایت به اینکه دین اسلام، دینی پویا است، متفکرین و فقهای مسلمان معاصر باید در جهت کاربست تکنولوژی‌های ارتباطی به نفع تمدن اسلامی گام بردارند. به طور کلی مهمترین چالش میان تمدن اسلامی و تکنولوژی‌های ارتباطی، موضوع دین جهانی واحد است. همانطور که گفته شد ظهور تکنولوژی‌های ارتباطی می‌تواند زمینه‌ساز شروع فرایند فراگیری دین در سرتاسر جهان باشد. علاوه بر این مطالعه فرصت‌ها و تهدیدهای تکنولوژی‌های ارتباطی نوین در تمدن نوین اسلامی برای جامعه اسلامی به ویژه کشور ایران از پیشگامان تمدن اسلامی این خاصیت را دارد که دغدغه‌های تمدنی بزرگان انقلاب مورد مطالعه علمی قرار گیرد و مفهوم تمدن نوین اسلامی و چشم‌اندازهای پش‌روی آن برای آیندگان تبیین شود. همچنین با توجه به اهمیت گام دوم انقلاب در معرفی و شناسایی تمدن اسلامی به جهانیان تمهیدات لازم اندیشیده شود و با شناسایی تهدیدات و چالش‌های احتمالی زمینه رفته این مشکلات فراهم شود. تا از این طریق تقویت بینش تمدنی راهبردی برای حل مسایل و مشکلات احتمالی جامعه باشد. در نهایت به منظور اینکه اطلاعات و ارتباطات در دسترس تمدن اسلام باشد، به یک اجماع نظر در موضوع‌شناسی بین همه تمدن‌سازان

مسلمان معاصر در استفاده از رسانه‌ها نیاز هست که این مهم با توسعه همکاری میان حوزه (فهم دین) و دانشگاه (موضوع‌شناسی) ضرورت می‌یابد.

پیشنهادات

یکی از مهمترین الزمات تمرکز بر نظام آموزشی و لزوم گنجانیدن پدیده تمدنی در مباحث درسی به ویژه در دوران دبیرستان است. آشنا کردن دانش‌آموزان در این مرحله که درگیر هویت‌یابی هستند، باعث درک افتخارات تمدنی به عنوان بخشی از هویت فرد شده و در آینده بهتر می‌توان بازخورد آن را در جامعه درک کرد. پیشنهاد دیگر که با یافته‌های پژوهش همراستا است، استفاده بهتر نظام رسانه‌ای برای تبیین اصول تمدنی و بایسته‌های تمدن اسلامی در میان نسل‌های مختلف است. بر همین اساس برای استفاده بهتر از قابلیت‌های تکنولوژی‌های ارتباطی، مساله تمدن اسلامی در قالب‌های گوناگونی به شکل محتوای قابل عرضه به همه مردم مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت با مطرح کردن افتخارات تمدنی در گذشته، برنامه آینده تمدنی برای جامعه به تصویر کشیده شود.

منابع

- آیت‌اللهی، حمیدرضا (۱۳۸۶)، «نقش رسانه در تهدیدها و فرصت‌های جهانی شدن برای دین»، در: دین و رسانه، به کوشش محمد رضا جوادی یگانه و حمید عبداللهیان، صص ۵۹-۴۱.
- آشنا، حسام الدین (۱۳۸۶)، اجتماع محوری در محیط سایبر دینی؛ مطالعه مقایسه‌ای سایتهای تمدن شیعی آنلاین و تبیان، در: دین و رسانه، به کوشش محمد رضا جوادی یگانه و حمید عبداللهیان، صص ۴۱-۱۷.
- باهنر، ناصر (۱۳۸۶)، سیاست گذاری رسانه‌های دینی در ایران؛ سیستم متعامل پویا و همگرای ارتباطات دینی، در: دین و رسانه، به کوشش محمد رضا جوادی یگانه و حمید عبداللهیان، صص ۸۷-۶۷.
- بهرام‌پور، علی (۱۳۸۰)، «بنیاد گرایی تمدن اسلامی ظهور و تداوم آن در جهان تمدن اسلامی»، مجله آفتاب، ش ۱۳، اسفند ۱۳۸۰، صص ۶۹-۶۶.
- تاج‌بخش، احمد (۱۳۸۰)، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه، شیراز: نوید شیراز، ج اول.
- ثواقب، جهانبخش (۱۴۰۰)، «عوامل انحطاط تمدن اسلامی از منظر پژوهشگران معاصر». نشریه علمی علم و تمدن در اسلام، ۲(۸): ۳۳-۶۸.
- حسینی، حسن (۱۳۸۶)، «دین و رسانه؛ رسانه دینی یا دین رسانه‌ای؛ مطالعات نظری»، در: دین و رسانه، به کوشش محمد رضا جوادی یگانه و حمید عبداللهیان، صص ۱۵۱-۱۳۳.

- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب، تهران: انتشارات دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.
- خجسته، حسن (۱۳۸۶)، «موانع و محدودیت‌های کاربرد متعادل خوف و رجا به عنوان دو اصل مهم تربیت دینی در رسانه‌های مدرن با تأکید بر رادیو و تلویزیون»، در: دین و رسانه، به کوشش محمد رضا جوادی یگانه و حمید عبداللهیان، صص ۱۷۷-۲۰۳.
- راوودراد، اعظم (۱۳۸۶)، «تعامل دین و رسانه، در: دین و رسانه»، به کوشش محمد رضا جوادی یگانه و حمید عبداللهیان، صص ۲۲۷-۲۰۳.
- روحی، نبی‌الله. (۱۳۹۲). «چشم‌انداز گفتمان تمدن‌گرایی در اندیشه مقام معظم رهبری»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۶ (۶۱): ۳۲-۵.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زمانی‌محبوب، حبیب؛ حسینی، سید جلال. (۱۳۹۸). «بایسته‌های فرهنگی تمدن‌سازی نوین اسلامی-ایرانی با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)»، نشریه علمی علم و تمدن در اسلام، ۱(۱): ۳۲-۵۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ستوده‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵)، «فناوری اطلاعات و ظهور جلوه‌ها و فرضیه‌های نوین دراعجاز علمی قرآن»، مجله پژوهش دینی؛ شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۳۳-۱۱۹.
- سعیدآبادی، محمد رضا (۱۳۸۶)، «جهان‌شمولی دین و جهانی شدن رسانه‌های الکترونیک، همگرایی یا واگرایی»، در: دین و رسانه، به کوشش محمد رضا جوادی یگانه و حمید عبداللهیان، صص ۲۷۱-۲۵۳.
- شعبانی‌سارویی، رمضان؛ میررسولی، سیدجبار. (۱۴۰۱). راه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و نقش پلیس در این زمینه. انتظام پژوهی دینی و سیاسی، ۱(۴): ۱۲-۱. doi: 10.22034/jpm.2022.101015
- شهیدی‌پاک، محمدرضا. (۱۴۰۰). «مفهوم علم در تمدن اسلامی در قرون وسطی، واقع‌گرایی و انقلاب در مشاهده طبیعت». نشریه علمی علم و تمدن در اسلام، ۳(۹): ۵۵-۴۱.
- عابدینی، محمدرضا؛ ضیائی‌نیا، محمدحسین؛ حصارکی، زهرا. (۱۴۰۱). «تحلیل تمدنی جریان اربعین، فرصت‌ها و چالش‌ها». مطالعات میان‌رشته‌ای تمدن و انقلاب اسلامی، ۱(۴): ۱۲۹-۱۵۲.
- علی‌زمانی، امیرعباس. (۱۳۷۹). ماهیت تکنولوژی از دیدگاه‌های دیگر. نامه مفید، ۶(۳ (پیاپی ۲۳))، ۱۹۷-۲۲۲.
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۹۴). مساله‌شناسی آینده تحقق تمدن نوین اسلامی. همایش ملی تمدن نوین اسلامی «چیستی، چرایی و چگونگی». ۴۷۹-۴۵۹.

فرح‌نژاد، محمدحسین؛ قشقایی، محمدسعید؛ عرب‌سالاری، محمدجواد؛ ارجمندفر، سعید؛ اسماعیلی، رفیع‌الدین؛ فرزانه، سیدابوالفضل؛ مهدیان، حکیمه؛ مهدیان، حفیظه؛ عباسی، الهام؛ تنکابنی، رضیه‌سادات؛ حسین‌خانی، فائزه؛ یوسف‌زاده، غلام‌رضا. (۱۳۹۶). دین در سینمای شرق و غرب: مکاتب شرقی (هندو، بودا، لامانیسم، تائو، کنفسیوس و شینتو) مکاتب غربی (مسیحیت، یهودیت، و فرقه‌های وابسته)، تهران: انتشارات دین و رسانه (وابسته به اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران).

کازنو، ژان (۱۳۶۵)، جامعه‌شناسی وسائل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات.

کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات؛ اقتصاد جامعه فرهنگ، قدرت هویت، ترجمه ی حسن چاوشیان، احمد علی قلیان، افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۳)، «میزان دسترسی مسلمانان به رسانه‌ها در مقایسه با سایر ادیان»، فصلنامه علوم اجتماعی، س ۸، ش ۲۵.

معیدفر، سعید (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران، تهران: انتشارات سرزمین ما.

نجات‌بخش‌اصفهانی، علی؛ قریشیان، سیدعلی. (۱۴۰۰). «اثرگذاری تمدن اسلامی بر استفاده از تکنولوژی و فناوری در عصر اطلاعات». نشریه علمی علم و تمدن در اسلام، ۳(۱۰): ۹۸-۱۱۹.

نجفی، موسی. (۱۳۹۹). «نظریه تمدن نوین اسلامی از رویکرد فلسفی - نظری تا رویکرد تاریخی - نظری»، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۳، ۲ (۶): ۴۰-۱.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴). نظریه برخورد تمدنها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: ش، ص ۴۷.

هنسون، جریس، رولا، اومانا (۱۳۷۳)، تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه‌ی داوود حیدری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

هوور، استوارت. ام (۱۳۸۶)، مخاطبان و رسانه‌ای کردن دین، در: دین و رسانه، به کوشش محمدرضا جوادی یگانه و حمید عبداللهیان، صص ۴۷۷-۴۵۷.

یگانه، محمد رضا و همکاران (۱۳۸۶)، رضایت مخاطبان رسانه دینی، در: دین و رسانه، به کوشش محمد رضا جوادی یگانه و حمید عبداللهیان، صص ۱۳۳-۱۱۳.

Battaglia, Debora (2007), Religion media and the public sphere, American anthropologist, Washington:jun2007,vol 109,p.402.

Chirstians, Clifford. G (2002), Religious perspectives on communication technology, Journal of media and religion, pp.37-47.

- Hoover, Stewart. M (2006), religion in the media age, London & new york: routledge.
- Jegede, D., Diaka, R. P. E., & Jacob, O. N. (2021). Challenges Preventing the Use of Information and Communication Technology (s) for the Teaching and Learning of Christian Religious Studies in FCT, Abuja, Nigeria. *Central Asian Journal of Literature, Philosophy and Culture*, 2(8), 10-21.
- Karabel, Zachary (1995), The wrong threat : the united states and islamic fundamentalism, *world policy journal*; summer 1995,12,2;pp.37-48.
- Lindlof, Thomas (2002), Interpretive community :an approach to media and religion, *journal of media and religion*, pp.61-74.
- Neyestani, Mohammadreza (2005), Cultural and religious identities in era of information and communication globalization, *Turkish journal of international relation*, volume 4,winter2005,number 4.
- Penning, James & Smidt, Corvin (2002), One faith of our father, in: *evangelicalism the next generation*, baker academic, pp: 11-24.
- Ratheeswari, K. (2018). Information communication technology in education. *Journal of Applied and Advanced research*, 3(1), 45-47.
- Watson. James (2003), *Media communication; an introduction to theory & process*, New York: Palgrave MacMillan, (2 ed)
- Yang, T. (2019). 4th International Conference on Contemporary Education, Social Sciences and Humanities (ICCESSH 2019), 2024-2027.
- Zakaria, Fareed (2004), Islam, democracy and constitutional liberalism, *political science quarterly*, spring 2004; pp.1-20.